

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۰۰۹/۴/۱۰

## زوال ناتو در افغانستان

افغانستان نه تنها گورستان امپراتوری هاست، بلکه محل انهدام پیمان های امپریالیستی نیز است. گلم پیمان وارسا با تجاوز شوروی بر افغانستان چیده شد. حال نوبت پیمان تجاوز کار ناتو است که در گورستان تاریخ سپرده شود. تصور نمیشود که مقرری بار دوم کرزی بتواند ناتو را از ناکامی حتمی وی در افغانستان نجات دهد. افغانستان، یوگوسلاویا نیست که با یورش نظامی چند ماهه ناتو تسلیم گردد. در افغانستان ناتو و سایر قوای متجاوز با مردم طرف اند، نه با نظام ضد ملی. سالگرد ۶۰ ساله ناتو برای بنیانگذاران این سازمان متجاوز چندان خوش آیند نخواهد بود. ناتو در ساحه جنگ و جدال با مخالفین در افغانستان موفقیتی بدست نیاورده است. یگانه پیروزی و افتخار ناتو در کشتن افراد ملکی است. بمباران های کور بر اهداف مجهول، سران ناتو را به گزینش راه ضد بشری سوق میدهد. کشتار های بیمورد و تخریب منازل و قریه ها باعث شده که مخالفین هر چه بیشتر بر نفوذ سیاسی و مذهبی خود بیفزایند و بر قسمت اعظم کشور مسلط گردند. شاید این طرز روش ناتو کاملاً عمدی باشد تا اعضای آن از نیرو های عقبگرا برای طرح های سیاسی و نظامی آینده خود مستفید گردند. تاریخ سیاسی ۴۰ سال اخیر کشور ثابت میسازد که چطور سازمان های استخباراتی قدرت های بزرگ و کشور های همسایه از موجودیت قوای سیاه داخلی برای مقاصد استعماری بهره برده اند.

عملیات نظامی ناتو در افغانستان، بعضی کشور های عضو را در حالت بلا تکلیفی قرار داده و از عکس العمل آن در داخل کشور های خود در هراس اند. قتل عساکر کشور های متجاوز عضو ناتو، نارضایتی های فراوانی را در محیط داخلی آن کشور ها سبب شده است. ما دیدیم که قتل شش تن از عساکر ایتالیه در يك حمله تروریستی انتحاری در کابل، چه سر و صدائی را در آن کشور برپا کرد که ممکن منجر به تصمیم ایتالیه در عدم همکاری با ناتو در کشتارگاه افغانستان گردد. افکار عامه در اروپا هر روز بیشتر صدای اعتراض خود را بلند میکند و مردم این قاره با اشتراک

کشور های شان در يك جنگ بیهوده مخالفت میورزند. در امریکا هم، ضدیت با جنگ افغانستان افزایش یافته و اداره اوباما به ارتباط تصمیمش مبنی بر افزایش قوا سخت در مضیقه قرار دارد. در آوانیکه اقتصاد این کشور هنوز از ضربات بحران اقتصادی رهائی نیافته است، هر گونه ماجراجویی نظامی به بهانه تأمین امنیت ملی و مبارزه با تروریسم جهانی در جامعه امریکا بیش ازین خریدار نخواهد داشت. مردم گوسفندی و کمتر سیاسی امریکا کم کم بیدار میشوند تا فریب تبلیغات انحرافی مطبوعات این کشور را نخورند. برای صاحبان سرمایه در امریکا بیداری در شعور سیاسی مردم این کشور خطرناک تر از القاعده است. اختلاف نظر بین امریکا و اعضای اروپائی ناتو در حال گسترش است. امریکا میخواهد زیر پوشش "تهدیدات جهانی تروریسم" از ناتو برای مقاصد امپریالیستی خود مستفید گردد، درحالیکه اعضای اروپائی ناتو بر ماموریت اولی ناتو که دفاع از اروپا است، تأکید میورزند. این کشمکش زیر پرده، نه تنها اهمیت نظامی ناتو را در هم میکشد، بلکه آنرا بیک توپ فوتیال سیاسی تبدیل میکند. اگر اروپائیان به هدف تشکیل قوای نظامی اروپائی نزدیک شوند، ناتو در زادگاهش دفن خواهد شد.

ناتو در جریان جنگ سرد به منظور دفاع از اروپا در مقابل یورش احتمالی شوروی در سال ۱۹۴۹ به وجود آمد. بعد از ختم جنگ سرد و اضمحلال شوروی و پایان حیات پیمان وارسا، ناتو خود را بی هدف یافت که بعد ازین چه کند. غرب در صدد خلق و یافتن نقاط بحرانی در جهان بود که بتواند بقای ناتو را تثبیت کند و به موجودیت این تشکیل امپریالیستی منطق ببخشد. بحران یوگوسلاویا در دهه ۱۹۹۰ بهترین وسیله برای استعمال کنندگان ناتو شد و امریکا توانست ازین سازمان در رفع سد راه توسعه طلبی خود استفاده برد. مداخله ناتو و بمباران مناطق صرب به هیچوجه دلسوزی به خاطر نجات مسلمانان بوزنیا نبود. اگر چنین ترحم انسانی در اعضای ناتو نسبت به مسلمانان بوزنیا وجود میداشت، جلوگیری از قتل عام مسلمانان آن منطقه کار مشکل نبود. امریکا و ناتو گذاشت که مسلمانان بوزنیا خوب کوبیده شوند و تار و مار گردند تا نتوانند منحصیث يك قوه در صحنه سیاسی اروپا عرض اندام نمایند. همچنان ناتو در هراس بود که مبدا این بحران به سوی اروپای غربی کشانیده شده و امنیت منطقه را برهم زند. در هفته های اخیر جنگ، موقف مبارزین مسلمان بوزنیا بهتر شده میرفت و آنها به دلیل اینکه جنگجویان مسلمان از سایر نقاط جهان به سوی بوزنیا سرازیر شدند. غرب مسیحی به وحشت افتاد که در نهایت تحمل پیروزی مسلمانان بوزنیا و شکست مسیحیان را در قلب اروپا نداشت. مداخله ناتو و بمباران مناطق صرب که به ۳۸۰۰۰ یورش هوائی رسید، صرف راه را برای تحکیم و توسعه بعدی آن سازمان در اروپای شرقی آماده ساخت. پس مشاهده می کنیم که خلق تراژیدی میتواند ضامن بقاء ناتو باشد.

حادثه تروریستی سپتامبر سال ۲۰۰۱ که علل و عوامل آن تا حال در محافل سیاسی و اکادمیک در سطح جهانی مطرح بحث است، برای بقاء ناتو آب حیات شد. تصمیم امریکا در تجاوز بر افغانستان و استفاده از ناتو و اعضای آن زیر عنوان به اصطلاح ائتلاف، بار اول زمینه مداخله ناتو را در بیرون اروپا میسر ساخت. اینبار ناتو از خصوصیت دفاعی خود خارج شده و آشکارا شکل يك سازمان تجاوزکار را به خود گرفت. همچنان ناتو کلاً در خدمت تأمین اهداف امپریالیستی امریکا در آمد. فعلاً اهداف ستراتیژیک امریکا بر مناطق نفت و گاز و انرژی شرق میانه و آسیای مرکزی متمرکز شده است. با وجود حفظ مراکز نظامی در برتانیه، ایتالیه و آلمان، اروپا بیش ازین برای امریکا نقطه دلچسپ نیست. توجه امریکا باید به سایر اکناف جهان معطوف گردد تا از یکسو تفوق نظامی این کشور برای مدت طولانی

بدون رقیب باقی ماند و از سوی دیگر بر مراکز انرژی و ثروت جهان مسلط گردد. به علاوه استفاده از قوای نظامی خود، امریکا به ناتو و یاران دیگر ضرورت دارد تا پرده پوش جنایات دنیائی این کشور گردد. پس افغانستان هم قربانی جنایات پایان ناپذیر هیولای امپریالیسم و سازمان های مربوطه آن گردیده است .

چندی قبل امریکا اعلام کرد که "افغانستان آزمون نهائی ناتو است." اگر افغانستان واقعاً جایگاه آخری آزمایش ناتو است، پس ناکامی خجالت بار مبارکش باد. بعد از هشت سال مأموریت ضد بشری و انجام فعالیت های فاجعه آمیز چیزی نصیب ناتو نشده است. ساحة نفوذ طالبان هر روز بیشتر میشود. تعداد تلفات اعضای ناتو و قوای امریکا رو به افزایش است. کشتار مردم ملکی رو به فزونی است. فساد در دستگاه دولت مستعمراتی به نقطه اوج رسیده است. این ناکامی های پی در پی، وجدان مردم بعضی کشور های عضو را برانگیخته که حتی مفیدیت عضویت کشور خود و مأموریت ناتو را در افغانستان زیر سؤال برده اند. صدای موج اعتراض در سر تا سر اروپای غربی طنین افکنده که البته در تصامیم رهبران کشور های عضو مبنی بر ترك افغانستان بی تاثیر نخواهد بود. البته این نوع تصمیم رهبران اروپائی خوش به رضا نیست، بلکه در زیر ضربات خرد کننده نیرو های مقاومت ملی افغان شانه خم خواهند کرد.

**شعار را باید تکمیل کرد: افغانستان گورستان امپراتوری ها و سازمان های تجاوز کار است.**